

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دکتر فیلیپ جیرالدی
برگردان از: ابوالقاسم گلستانی
۰۱ مارچ ۲۰۱۹

حمله به ایران

اخبار جعلی درباره یک ارتباط تروریستی می تواند بهانه برای جنگ باشد



ناظران تحولات خاورمیانه مدتهاست که به این موضوع توجه دارند که ایالات متحده و اسرائیل در صدد یافتن بهانه ای برای حمله به ایران هستند. این هدف در کنفرانس اخیر وارسا به صراحت از زبان بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل جاری شد، هر چند او نتوانست حمایت دولتهای اروپایی و خاورمیانه را جلب کند. به عکس، واکنش محکمی به ویژه از سوی دولتهای اروپایی در خصوص توافق هسته‌ئی چند جانبه با ایران (برجام) در سال ۲۰۱۵ وجود داشت که حاکی از آن است که ترجیح آنها این است که در راستای عادی سازی روابط خود با ایران، هم از یک جنگ بزرگ اجتناب کنند و هم مانع از گسترش سلاح هسته‌ئی توسط ایران شوند.

در واشنگتن بنیادهائی وجود دارند که همه در ارتباط نزدیک با اسرائیل و لابی های آن در ایالات متحده هستند؛ تمامی آنها در حال پرونده سازی برای جنگ با ایران هستند. آنها در گوشه های تاریک گوناگون در پی یافتن بهانه اند، با

ادعاهائی از این دست: تقلب ایران در برنامه هسته‌ئی؛ توسعه راکت های بالستیک که ایران را قادر می سازد با استفاده از کلاهک های هسته ئی مخفی خود اهدافی را در اروپا و حتی ایالات متحده مورد حمله قرار دهد؛ دولت ایران سرکوبگر و دیکتاتوری است، و لذا رهائی مردم ایران و ایجاد دموکراسی در آن کشور اقتضاء می کند که تغییر رژیم در این کشور صورت گیرد؛ و از همه مهمتر این که، ایران در سرتاسر خاورمیانه مشغول تحریک و حمایت از جنگها و تهدیدات علیه ایالات متحده و متحدان آن است.

ادعاهای فوق در مورد ایران در حالی صورت می گیرد که بازرسی های دقیق از سوی اژانس بین المللی انرژی اتومی مستقر در سازمان ملل (IAEA) تأیید می کند که تهران هیچ برنامه ای برای تولید یا گسترش تسلیحات هسته ئی ندارد؛ امری که جامعه اطلاعاتی ایالات متحده در آخرین «بررسی تهدید بین المللی» خود نیز بر آن صحه گذاشته است. از این گذشته، با توجه به تهدیدات دائمی از سوی اسرائیل و ایالات متحده علیه ایران، برنامه راکتی محدود این کشور را می توان عمدتاً دفاعی برشمرد، ضمن این که می توان پذیرفت که حذف دولت ایران در مناسبت ترین حالت وظیفه مردم ایران است، نه از طریق دخالت نظامی از سوی یک قدرت خارجی که در عین حال مردم این کشور را از طریق جنگ اقتصادی در معرض گرسنگی قرار داده است و اما در خصوص تحریک به جنگ در خاورمیانه، نه به ایران، بلکه باید به ایالات متحده و اسرائیل نگاه کرد.

بنابراین، بازها (جنگ طلبان) واشنگتن، یعنی جان بولتون مشاور امنیت ملی، مایک پمپئو وزیر امور خارجه و نیز ظاهراً شخص رئیس جمهور دونالد ترامپ، وقتی مسأله ایران به میان می آید، در یافتن بهانه برای جنگ با ایران در مانده می شوند. لذا، بی تردید اصرار و تحریک نتانیاهو است که آن بازها را و او می دارد که یک داستان قدیمی را برای یافتن استدلالی به ظاهر قابل توجیه برای انجام یک جنگ اعلام نشده علیه ایران احیاء کنند، ضمن این که هیچ تهدید در حال وقوع نیز از سوی تهران برای حمله پیشگیرانه وجود ندارد.

این که سیاست جدید ایران چه می تواند باشد، اخیراً در مقاله ای در روزنامه واشنگتن تایمز بررسی شد، که البته متأسفانه نه از سوی رسانه ها یا کارشناسان مربوطه مورد توجه کافی قرار گرفت و نه از سوی آن محدود سیاست گذارانی که پیوسته این تمایل واشنگتن را که اول حمله کنید و بعد در باره آن بیندیشید، مورد انتقاد قرار داده اند.

عنوان مقاله مورد اشاره این است: «اختصاصی: پیوند ایران و القاعده می تواند توجیه قانونی برای حملات نظامی ایالات متحده را فراهم کند.» نکات اصلی این مقاله باید به طور جدی مورد توجه همه کسانی قرار گیرد که نگران آن هستند که چه چیز قرار است در خلیج فارس رخ دهد، زیرا این امر گاف و اشتباه عادی برخاسته از پیچ و خم های اتاق فکر نیست، هر چند قسمتی از آن را شامل می شود. مقاله همچنین ضمن اشاره به مقامات دولتی با ذکر نام، به کسانی دیگر اشاره دارد که هر چند نام شان ذکر نمی شود، ولی مشخص است که آنها نیز جزئی از مجموعه دولت هستند.

به عنوان یک کارمند سابق سازمان سیا که چند سالی در موضوع ایران کار کرده، وقتی مقاله واشنگتن تایمز را مطالعه کردم، شگفت زده شدم، بیشتر به این دلیل که به تکرار اطلاعات جعلی شباهت داشت که در فاصله سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ علیه هم عراق و هم ایران به کار گرفته شد. این مقاله بر پایه این فرضیه استوار است که جنگ با ایران برای ایالات متحده، همچنین اسرائیل که پشت صحنه عمل می کند، مطلوب است، لذا یافتن بهانه ای برای دست زدن به حمله به ایران ضروری است. همان گونه که تهدید تروریسم همیشه تاکتیکی مناسب برای متقاعد کردن مردم امریکا است که به هر حال باید کاری برای آن انجام شود، این مقاله نیز می کوشد همان چیز را القاء کند؛ لذا، مطالعه آن از این حیث که بازتاب دهنده تفکر کاخ سفید است، مایوس کننده می باشد.

چند سالی است که مطالب انتقادی در باره فعالیت های سیا و خاورمیانه می نویسم و این موجب شد که همواره از سوی همقطاران سابق خود تحت فشار قابل توجهی قرار بگیرم. اما در این مورد، تماس ها و ایمیل های دریافتی ام از کارمندان اطلاعاتی سابق که تجربه من از خاورمیانه را به بحث گذاشتند و مطالعه دقیق مقاله مورد بحث از سوی آنان، حکایت از آن دارد که موضع آنان به شدت تغییر کرده است، به طوری که استفاده از اطلاعات جعلی و پرسش برانگیز را برای آغاز جنگ غیر ضروری دیگر را محکوم کرده اند.

بر پایه اظهارات این مقاله، ایران با تأمین پول، سلاح و مناطق امن و حفاظت شده در خاورمیانه از القاعده حمایت می کند تا این گروه بتواند حملات تروریستی جدیدی به انجام برساند. ایران به رغم تفاوت های ایدئولوژیک در حال همکاری با القاعده است، زیرا هر دو یک دشمن مشترک به نام «ایالات متحده» دارند. به گفته این مقاله و منابع ذکر شده در آن، این همکاری اکنون «به یک تهدید امنیتی غیرقابل قبول برای جهان تبدیل شده» و معنایش این است که کاخ سفید می تواند «توجیه قانونی بالقوه ای را برای حملات نظامی علیه ایران و نیروهای نیابتی اش بسازد».

معقول است که بپرسیم که نگرانی ایالات متحده برای چیست اگر ایران به القاعده کمک می کند، زیرا این دو همین الان نیز دشمنانی هستند که روی یک کنده ساخت آمریکا پهن شده اند و منتظر تبری هستند که فرود آید و بیفتند. دلیل آن در «مجوز استفاده از نیروی نظامی» وجود دارد که در اصل پس از ۱۱ سپتامبر نوشته شده تا مجوزی برای شکار القاعده در سراسر جهان را تأمین کند، مجوزی که سپس با اصلاحاتی اجازه می دهد «گروه های مرتبط» را نیز تحت تعقیب قرار دهند. اگر ایران احتمالاً یک گروه مرتبط با القاعده است، پس رئیس جمهور ترمپ و باند دیوانگان از خود راضی او که از تخم پرورش یافته نتانیاها در آمده اند، می توانند اعلام کنند که ایران متعلق به «مستر آیت الله» را بمباران کنند. و اگر اسرائیل درگیر شود، نیایش تمام عیاری از کنگره و رسانه ها به راه خواهد افتاد. بنابراین، آیا این دولت آمریکا هم می تواند و مایل است که همانند پیشینیان خود جنگ بزرگی بر پایه استدلالی پوچ و مزخرف آغاز کند؟

توجیه آغاز جنگ آنگونه که در *واشنگتن تایمز* منعکس می شود، از این قرار است: «چنانچه رئیس جمهور ترمپ بر آن شود که تهران تهدیدی جدی برای آمریکا یا اسرائیل محسوب می شود و تحریم های اقتصادی برای خنثی کردن این تهدید به قدر کافی قوی نیست، منابع کنگره ئی و حقوقی حکایت از آن دارند که قوانین جاری اکنون می تواند توجیهی حقوقی برای حمله به قلمرو ایران یا نیروهای نیابتی اش فراهم کند.» مقاله برای این توضیح که چه چیزی ممکن است تهدیدی جدی از سوی ایران خسته و نحیف برای ایالات متحده محسوب شود ناتوان است، اما کم نمی آورد که یادآور شود که اسرائیل مطابق معمول محق است، همواره قربانی و مظلوم واقع شده است، و به رغم زرادخانه هسته ئی و برتری نظامی چشمگیر منطقه ئی خود که تضمین کننده اش کنگره آمریکا است، ظاهراً زیر تهدید قرار دارد.

چند تن از مقامات دولتی اشاره شده بر پایه این ادعا که ایران «حامی تروریسم دولتی درجه اول جهان» است، به گروه تند روها علیه ایران پیوسته اند. اما جالب این که، اگر چه اینان مایل بودند نظرات خود را در مورد محور ایران - القاعده ارائه دهند، اما نویسندگان جدیدترین «بررسی تهدید بین المللی» که از سوی جامعه اطلاعاتی ایالات متحده انتشار یافت، هیچ گاه از آن مطلع نشده اند. در این اثناء، وزارت امور خارجه آمریکا، یک کانال ایرانی را مشاهده می کند که نفرات و پول القاعده را به سمت اهدافی در آسیای مرکزی و جنوبی حرکت می دهد، هر چند این ارزیابی به سختی با این واقعیت همخوانی دارد که در همین حمله اخیر منتسب به القاعده در روز ۱۳ فبروری که در جنوب شرقی ایران علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجام گردید، ۲۷ مرزبان در اثر بمب گذاری کشته شدند. (اخیراً فاش شده که عوامل این بمب گذاری انتحاری ملیت ایرانی نداشتند و اهل پاکستان بودند. - م)

بررسی دولتی تهدید سالانه آمریکا نیز به ویژه ایران را برای تأمین بودجه گروه هائی چون حزب الله و حماس محکوم می کند که هر دو اینها از قضاء دشمنان اسرائیلی هستند که کمتر نگران «تهدید» ایالات متحده است و تهدید علیه خود او نیز به این واقعیت مربوط است که از جانب دولت یهود پیوسته در حال مزاحمت و دخالت در خاورمیانه است. و هنگامی که نویسندگان مقاله در شک و تردید قرار گرفتند، به سراغ افراد «قابل اعتماد قدیمی» رفتند، یعنی اتاق فکر نئوکانهای سرشناس، یعنی «بنیاد دفاع از دموکراسی» که در ضمن به شکلی تنگاتنگ با دولت اسرائیل کار می کند و هرگز از وضعیت دموکراسی در اسرائیل انتقاد نکرده است. یکی از سخنگویان این بنیاد اظهار داشت که «دولت ترامپ حق دارد که بر تمام فعالیت های زیان بار تهران تمرکز کند و حال باید تمرکز بر پشتیبانی درازمدت تهران از القاعده را بر نظارت های پیشین بیفزاید.»

در حقیقت، یکی از کارشناسان اشاره شده در گزارش *واشنگتن تایمز* که برآستی کارشناس است و به جای دستورات مورد تأیید دولتی و اتاق فکر، اسناد اصلی را مورد بررسی قرار داده، گزارش ایران – القاعده را زیر سؤال برد. «نلی لاهود، تحلیلگر پیشین تروریسم در آکادمی نظامی ایالات متحده و اکنون عضو بنیاد امریکای جدید، یکی از نخستین کسانی بود که اسنادی را که از مخفیگاه بن لادن در ابیت آباد پاکستان کشف و ضبط گردید، مورد بررسی قرار داد. در تجزیه و تحلیلی برای «شورای آتلانتیک» در پائیز گذشته، لاهود نوشت که پرونده های بن لادن برملا کننده رنجی عمیق از تردید و دشمنی نسبت به رژیم ایران است. خاتم نلی لاهود ضمن اشاره به تاریخ اسناد، که از سال ۲۰۰۴ تا چند روز پیش از مرگ بن لادن را شامل می شود، بررسی خود را اینگونه پایان می دهد: «در هیچ یک از اسناد مورد بحث که به همکاری بین القاعده و ایران در انجام عملیات تروریستی مشترک اشاره کند، مرجعی نیافتیم.»

بنابراین، رفتن به دنبال ایران نام یک بازی است، حتی اگر داستان القاعده اساساً نادرست باشد. خطرات قوی هستند و هر آنچه باید تولید، فرض یا مهندسی شود تا جنگی را توجیه کند، بازی منصفانه ای ست. ایران و تروریسم؟ عالی است. بیائید آن را امتحان کنیم، چون بالاخره حمله به ایران پیروزی آسانی خواهد بود و مردم در خیابان ها برای تانک های ما که از مقابل چشمان شان می گذرند، هورا می کشند. چه چیزی می تواند احتمالاً اشتباه از آب در بیاید؟

منبع:

Information Clearing House

به نقل از:

Unz Review

۲۸ فبروری ۲۰۱۹ – ۹ اسفند ماه [حوت] ۱۳۹۷